

انجیل متا فصل 3 ایه 12-1

در روزهای پایانی عید کریسمس من خودم را با سرعت هرچه تمام تر به بازار عید رساندم برای اینکه در آن روز من بایستی هدایای زیادی را که لیست کرده بودم را می خریدم. و مثل همیشه من خیلی دیر به بازار رسیدم. در زمانی که من خریدهای خود را انجام داده بودم و قصد خارج شدن از مغازه را داشتم یک اتفاق خجالت اوری برای من رخ داد و به ناگهان صدای بیب ، بیب ، بیب همه جا را پر کرد. بله آن صدای یک سیستم الارم بود. در آن لحظه من سر جای خودم میخ کوب شدم و احساس کردم که هزاران نفر در حال نظاره کردن من هستند و در آن موقعیت با خودم این تصور را کردم که تمام 6 میلیون یورو خسارت دزدی که هر روزه دزدان از آن فروشگاه کرده اند ، بر روی دوش من افتاده است. بالاخره بعد از مدت طولانی یکی از فروشندگان خانم به سوی من آمد و از من رفع اتهام کرد و برای دلجویی از من به شوخی و با لبخند گفت : " فکر کنم در این دستگاه یک وروجکی وجود دارد ". آه ؛ چه احساس خوبی. از خوشحالی می خواستم او را در اغوش بگیرم. و چقدر خوب می شد اگر از تمام گناهان مان به این اسانی رفع اتهام می شدیم.

اگر من در زمان بعد از ارتکاب جرم از این دستگاه عبور کنم و آن صدا دهد معلوم می گردد که من خطایی مرتکب شده ام ولی اگر بدون هیچ مشکلی من از آن رد شوم بی گناه خواهم بود. ولی اینطور نمی باشد ما نمی توانیم از زیر بار گناهان مان فرار کنیم ، بلکه آنها همیشه با ما خواهند بود. در زمان یحیای تعمید دهنده می بایستی یک همچین اتفاقی نیز رخ داده باشد که انسان های آن زمان می خواستند با غسل یحیا که از طریق خدا بر روی آنها انجام می شد از تمام گناه هان شسته شوند. به همین دلیل فریضیان ، سربازان ، پولداران ، فقیران ، پیر و جوان از سراسر سرزمین های اطراف برای انجام غسل تعمید به پیش او می آمدند تا از گناه هانی که مرتکب شده اند رهایی یابند. ولی در آنجا با سخن تند یحیا مواجه می شوند که می گوید : " ای افعی زادگان ، شماها فکر کرده اید که با این همه گناهانی که کرده اید می توانید به همین سادگی از آنها رهایی یابید و چون شما نسلی از ابراهیم هستید می توانید از این موضوع سوء استفاده نمایید. نه شما بایستی راه همیشه گی خودتان را یکبار و آن هم برای همیشه انتخاب کنید. او همچنین ادامه می دهد: شاخه ای که از درختی می افتد سوزانده می شود. یحیا در آنجا نمی خواست اینطور عنوان کند که اگر شخصی گناهکار با تفکر به این که بعد از بخشیده شدنش ، دوباره اگر خطا نمود ، کاملاً به نابودی مطلق می رسد. بلکه او اعلام می دارد که به درستی و با ترس از خدا توبه نمایید. و اگر این کار را انجام ندهید در گناهان خود خواهید مرد. چون بدی و گناه ، مرگ به ارمان خواهد آورد.

امروزه ما مسیحیان می توانیم طوری دیگری نسبت به این قضیه بنگریم. ما بعد از گذشت سال ها نه فقط نسلی از ابراهیم هستیم بلکه عیسی مسیح را در کنار خودمان داریم. ما اکنون غسل تعمید ، کلام او و نان و شرابی که گذشتگان از آن بی نسیب بودند را در اختیار داریم. حالا شاید این فکر را بکنیم که صحبت های آن زمان یحیا به یهودیان بر ما صدق نمی کند. ولی نه ، همه آن حرف ها برای ما هم زده شده است. ما هم جزوی از آنها خواهیم شد اگر از نجاتی که دریافت نموده ایم و یا اگر از همه این هدایایی که خدا به ما داده است سوء استفاده نماییم و در نهایت به تدریج به نابودی خواهیم افتاد. حالا چه حالتی پیش می آید اگر ما به نام اجتماع خدا جمع گشته و همدیگر را مو به مو زیر ذره بین بگیریم و یکدیگر را مارهای افعی خطاب قرار دهیم . بی شک اگر یحیای پیغمبر می بود از این عمل

ناخشنود می گشت. همچنین عیسی هم بی دلیل به این گونه افراد اشاره نمی کرد و خطاب به آنها نمی گفت که موقعیتی وجود دارد تا شما به سوی من برگردید ولی قلب آنها باز هم جایی دیگری می بود. وگرنه عیسی به مدت طولانی بخاطر افرادی که همیشه در راه خودشان هستند نمی جنگید تا آنها را از مابین علف های هرز برهاند.

اکنون ما با این همه تفاسیر به این پی برده ایم که ما به کجا و به چه دسته از بندگان تعلق داریم و راهی جز توبه بر سر مسیرمان قرار ندارد. حال ما با تمام دارایی هایمان در کجای زندگی افراد نیازمند کل جهان قرار گرفته ایم. در سرتاسر دنیا روزانه بایستی 805 میلیون نفر طعم گشنگی را بچشند که می توان با برپایی پل ارتباطی و اقتصادی مابین ما و آنها از این تفاوت طبقاتی کاست. از همه این ها گذشته افرادی نیز هستند در اطراف ما که نیازمند کمک مالی و روحی هستند. ولی خیلی ها از این موضوع به راحتی می گذرند و با خود می گویند که ما عیسی خودمان را داریم و در محدوده بی سر و صدا و به دور از همه چالش های زندگی دیگران زندگی می کنیم. و یا چند بار ما مسیحیان، چه با قرار دادن نور عیسی در پشت اعمال های مان و چه با از بین بردن مطلق نور ان در زندگی مان عیسی را انکار کرده ایم. به طور معمول ما عادت داریم که خودمان را به طریقی تبرئه کنیم بنابراین همیشه اعلام می داریم که انسان هایی از ما گناه کارتر هم وجود دارند و یا گناهان بیشتری مرتکب می شوند. ولی این هیچ برهان منطقی بر این موضوع نمی تواند باشد. کسی که گناه می کند یک گناهکار محسوب می گردد و تا ابد مجازات می گردد. چه کسی می تواند از شما بگوید که من نیازی به توبه کردن ندارم چون من غسل تعمید گرفته ام. این خود بزرگترین اشتباه است. ما باید این را بدانیم که غسل تعمید ما را ازاد ساخته است ولی برای ابراز پشیمانی از گناه هان بایستی توبه انجام دهیم. و نه برعکس ان عمل نماییم.

در هر حال ما مسیحیان نمی توانیم خودمان را از گفته های یحیای پیغمبر پنهان بکنیم. از طرفی دیگر ما می توانیم همانند ان فریضیان و یا مردمان دیگر ان زمان به دنبال ان شخص ناجی بگردیم و جلوی او زانو بزنیم که مظهری از کلید زندگی مان را تداعی می کند. و یا برای اینکه بهتر بگوییم او همانند ان دستگاه دزدگیری است جلوی درب مغازه ها که گاهی کار نمی کند. ولی خیلی جالب است که یحیا در اینجا می گوید که این راه سعادت شما در من ختم نمی گردد بلکه شما بایستی منتظر کسی باشید که مقام او از من خیلی بالاتر است و من حتی لیاقت ان را ندارم که کفش هایش را جلوی پایش جفت کنم. در ان زمانی که یحیا مشغول به سخنرانی این موعظه بود او در بالاترین جایگاه معنوی خودش قرار گرفته بود. از چهره یحیا به خوبی معلوم بود که انسان هایی که روبه روی او ایستاده بودند بزودی به اندیشه او پی خواهند برد و در مسیر دیگری می افتند. او بخوبی می دانست که چه چیزی برای ما ادم ها در نظر گرفته شده است. برای همین او به ارزش بالای ان پی برده بود که بیشتر از یک آینده روشن می ارزید. یحیا به خوبی این را می توانست درک بکند که عیسی چه کارهایی را برای انسان ها انجام می دهد. او انسان ها را با روح القدس غسل خواهد داد. او نسبت به یحیا خیلی متفاوت تر خواهد بود. ولی به احتمال زیاد یحیا هنوز متوجه نشده بود که عیسی چطور روح القدس را به ما هدیه می دهد. در ان زمانی که یحیا زندگی می کرد بین مردم اینگونه مرسوم بود که در ابتدا انسان ها بایستی با اعمال خوب و توبه خودشان را نشان می داند تا در مرتبه ای از غسل تعمید قرار می گرفتند.

ولی در عیسی غسل تعمید به معنی دیگری می باشد. عملی حقیقی که با فکر انسانی ما مطابقت نمی کند. روح القدس خودش را بدون تاثیر پذیری از چیزی به ما مرتبط می سازد که این خود ما را به

عیسی وصل می نماید. انسان هایی که در اعمال شان به خدا خیانت می کنند و یا بر ضد او کارهایی را انجام می دهند بزودی وجودیت حقیقی خودشان را به خدا نشان داده و مسیر زندگی شان را بروی او تنظیم می نمایند. انهایی که بی امید و غمگین و دردکشیده هستند بزودی طعم نجات و خوشبختی را می چشند. ما این را باید بدانیم که فرمان های خدا بر ضد ما نوشته نشده اند. آنها ضربه ای در زندگی مان به ما وارد نمی کنند. و ما می توانیم با خوشحالی هر چیزی که خدا دستور داده را انجام می دهیم. مطلبی که اینجا گفته می شود یک چیز وصف ناپذیری است و ان هم این است که هیچ چیزی بزرگتر و مهم تر از یحیا و یا حتی خودمان نمی تواند باشد. غسل تعمید ، عیسی ، کلام او و روح القدس اینها بالاترین مرتبه در زندگی ما را دارند و اگر عیسی را بدون غسل تعمید و روح القدس داشته باشیم چیزی جز پلیدی و یک مار افعی دیگر در ما باقی نمی ماند و همواره با خدا درحال جنگ می شویم. ما با عیسی و روح القدس یکی از بندگان خدا می شویم و در پیش او زندگی خواهیم کرد. تا زمانی که ما بر روی زمین زندگی می کنیم همیشه در این دو دنیا قرار گرفته ایم. پس می بینیم که می شود موعظه های زیادی از زندگی نامه یحیای تعمید دهنده گفت. و می توانیم به دنبال برهانی باشیم که یک شخصی وجود دارد که از یحیا و همه بزرگتر است.

عیسی ما را نجات دهد.

آمین